

چند تذکری ضروری

اخیرا نامه ای بتاريخ 25 ماه می سال 2011 از جانب عده ای از اعضای شورای اروپائی حزب واحد عنوانی کمیته توحید و انسجام مرکزی به کابل فرستاده شده و نقل آن به اعضای شورای اروپائی در اروپا ارسال شده است. نامه که از لحاظ محتوا نقدی بر کارکرد های شورای اروپائی و نهاد های رهبری کننده مرکزی و در مجموع وضع کنونی حزب واحد میباشد که هنوز کنگره واحد کننده آن تدویر نیافته است.

کمیته توحید و انسجام مرکزی طی نامه ای که به جواب آن فرستاده طراحان نامه را به خویشتن داری دعوت نموده است و همچنان نقد را حق مسلم اعضا دانسته و موارد یاد شده را قابل بررسی دانسته است و اما با اشاره به " شرایط " کشور و اوضاع امنیتی و غیره و غیره که همه و همه میتوانند برای فعالیت عملی شان موانع خلق کنند از داخل شدن عمیق در متن نامه خود داری نموده اند.

و اما در اروپا , جائیکه در محراق توجه نامه قرار دارد بر خورد خیلی ها متفاوت از کابل است. هدف از تهیه این نوشته بررسی و اکنش ساز مان اروپائی با متن نامه است.

در اروپا ظاهرا بخش هایی از ساز مانهای کشوری کشور های مختلف حزب واحد تدویر جلسه نموده و با رهبری شورای اروپائی به نحوی ابراز همبستگی نموده اند و خواسته اند به خواننده گان بفهمانند که طراحان نامه دو سه نفری بیش نبوده و طرح ها و اقدامات شان از حمایت تمام اعضای حزب بر خوردار نمی باشد.

بعضی دوستان هم که خواسته اند در مورد ابراز نظر شخصی نمایند به استثنای یک مورد، که با مساله بر خورد رویهمرفته سالمتر نموده است، نویسنده ها از مرز بر خورد های بوروکراتیک فراتر نرفته اند. دوستی نوشته است که باید..... "از خرده گیریها، کند رفتن ها، متردد بودن و بحران اعتماد و بی باوری دوری جسته و به آن وداع کنیم". جالب است.

مگر این ها امراض روانی اند که سعی شود با آن وداع صورت گیرد؟ اینها واقعیت های عینی اند که فقط عمل صادقانه مسئولین میتواند آنها مرفوع سازد و بس.

گفتنی است که در این میان، نامه همچنان به بیرون درز کرد و به سایت انترنتی آریائی به نشر رسید که عام و خاص با متن آن آشنا شدند و مساله پیچیده تر شد. مسئولین و عده ای که از داخل حزب در حمایت از مسئولین قرار گرفتند همچنان این مساله را که گویا طراحان نامه آنها به رسانه های خارج از حزب هم فرستاده اند از آن بچیث دست آویز استفاده نموده و در هر کجا آنها علم نمودند.

طراحان نامه که تحریر نامه و نقد را حق مسلم خود میدانند فرستادن آنها به رسانه های خارج از حزب دور از باور ها و تعهدات خود تلقی میکنند و هرگز مسئولیت آنها نمی گیرند. برای طراحان نامه که همه خود را پابند به وحدت حزب و همسوئی همه نیرو های ترقیخواه میدانند رسانیدن متن نامه به گوش اعضا، کادر ها و مسوولین نهاد های حزب در اروپا و افغانستان برای شان کفایت میکند و هیچ نوع ضرورت فراتر از آن را نمی بینند. همچنان قابل یاد اوری است که طراحان نامه خود را به هیچ رسانه خارج از حزب منسوب نمیدانند و اتهاماتی از این دست را غیر موجه میدانند.

واما فرستادن نامه به سایت آریائی برای آنانیکه میخواهند با گل آلود کردن آب، ماهی مطلوب خود را بگیرند و فرع را بجای

اصل قرار دهند و اعضای حزب را با آن مصروف بسازند
میتواند کسب اهمیت کند.

در این جا دو مساله بر جستگی کسب میکند. اول نفس نقد. دوم
شیوه و یا تخنیک رساندن آن به گوش مسئولین.
در تمام نوشته های که در سایت بامداد به نشر رسیده است به
نفس نقد پرداخته نشده است. بلکه خواننده گان و اعضای
حزب را با فروعات مصروف ساخته اند.

دانسته نشد که چرا مسئولین کشوری متوجه این حقیقت نشده
اند که مخاطب اصلی نامه نه آنها، بلکه کمیته توحید و
انسجام مرکزی حزب است. از آن کمیته خواسته شده است که
به نامه رسیده گی نمایند. نقل نامه به هیات رئیسه و هیات
اجرائیه شورای اروپائی فرستاده شده است. هر گاه ساز
مانهای کشوری مایل به پا در میانی بودند بهتر آن بود که
خواهان بررسی آن می شدند، نه این همه نوشته های زشت،
زننده و فرمایشی. در این نوشته ها طراحان نامه را متهم به
بی اطلاعی از " فعالیت ها" نموده اند، در حالیکه خود از
ابعاد نواقص بی اطلاع اند. ادعا دارند که گویا انتقادات چرا از
طریق جلسات ارائه نشده است. غافل از آنکه این مسایل قبل و
در جریان و بعد از کنفرانس بار بار گفته شده است اما کسی
به آن ترتیب اثر نداده است. بجای گوش فرا دادن به انتقادات،
یکی از نهاد های اختصاصی نقد و بررسی کار کرد های
شورای اروپائی یعنی کمیسیون مشورتی را از بین بردند.

گفته میشود که نامه آدرس مشخص ندارد. یعنی طرف معلوم
نیست. به به چه استدلالی. در تمام دنیا رسم بر این است که
موسسات برای بهبود کار شان صندوق شکایات میگذارند و از
مردم میخواهند که اجراءات شان را نقد کنند و راه حل نشان
بدهند. مردم حتی راه حل ها را، برای مشکلات شان به پول
میخرند. چه تاسف آور است که پس از چهل سال تجربه و یک
عمر دولت داری هنوز هم نمیدانیم که با انتقاد چگونه بر خورد

کنیم. هدف ما لشکر کشی نیست که لست حامیان نامه را در
اخیر آن ضم مینمودیم. هدف ما اصلاحات است.

طراحان نامه و کسانی که از آن حمایت میکنند تعدادشان
بمراتب بیشتر از عده ای است که در این نوشته ها انعکاس
یافته است. بالفرض نامه را یک نفر نوشته باشد، مگر
مسئولین خود را مکلف به ارائه پاسخ در برابر یک نفر نمی
بینند؟

یکی از مواردیکه نامه به آن پرداخته و توجه مسئولین را به
آن جلب نموده است بی تفاوتی مسئولین در برابر نوشته ها
و تبصره ها و انتقاداتی است که تا حال در ضدیت با شورای
اروپائی و حزب در رسانه ها به نشر رسیده است. همین مساله
خود مایه بی اعتمادی اعضای حزب است وقتی اعضا متوجه
میشوند که کسی نمیخواهد و یا نمیتواند از راه و رسم شان در
برابر انتقادات و یا حملات و تعرضات دفاع کند، با بی
اعتمادی و دلسردی حزب را ترک میکنند. و این عدم احساس
مسئولیت، باعث تضعیف سازمان شده است.

مگر مسئولین سازمانهای کشوری حزب واحد به این حقیقت
اندیشیده اند که موارد مشخص انتقاد را نمی توان لا جواب
گذاشت و معضلات داخل حزب را با چک چک و شعار حل و
فصل کرد. به انتقادات باید پاسخ مشخص مطابق نامه ارائه
گردد.

نامه، از کسی شق القمر نخواست است. بلکه دلسوزانه راه
های بیرون رفت از وضع کنونی را خواسته است. طراحان نامه
به این باورند که اگر سازمان اروپائی در یک مسیر سالم
و درست هدایت ورهبری نشود، به طرح ها و نظریات سازنده
رفقا ارج گذاشته نشود و از کادرها و اعضا مواظبت لازمی
صورت نگیرد، آینده تلخ و دردناکی را تجربه خواهیم کرد.